**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه257– 30 /01/ 1399 مراد از ثلاثة اشهر /مساله‌ی دهم /متن تکمله‌ی عروه /اقوال فقها**

**خلاصه‌ی مباحث گذشته:**

بحث در مساله‌ی دهم تکمله‌ی عروه و مراد از «ثلاثة اشهر» و نحوه‌ی محاسبه‌ی آن در زمانی که طلاق وسط ماه واقع شود، بود. این بحث یک بحث عامی است که در عده‌ی وفات و هر جا که حکمی دائر مدار «اشهر» باشد، تطبیق می شود.

# اقامت سی روزه‌ی مسافر با تردید

در بعضی روایات آمده است شخصی که قصد اقامت ده روز ندارد و با تردید در جایی مانده است تا یک ماه باید نمازش را شکسته بخواند و در یک روایت آمده است که سی روز باید نمازش را شکسته بخواند. با توجه به تناسبات حکم و موضوع «شهر» خصوصیت ندارد و ملاک سی روز می باشد و از باب حمل مجمل بر مبین مراد از «شهر» در این روایات سی روز می باشد.

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری هم همین مطلب را بیان کرده است.

# کلام مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاة

مرحوم شیخ عبدالکریم حائری در کتاب الصلاة می فرماید:

فيترتب عليه جميع أحكام الحاضر الا ما كان الإجماع على خلافه و هو ايضا مقتضى المناسبة بين الحكم و الموضوع بحسب الارتكاز العرفي حيث ان المركوز في أذهانهم ان المسافر إذا أقام مدة في بلدة يسلب عنه اسم المسافر فحدد الشارع تلك المدة بمضي ثلاثين يوما و هذه المناسبة الارتكازية ايضا تقتضي كون المناط في الإتمام مضى ثلاثين يوما دون الشهر و ان وقع في أكثر الروايات التعبير به لان ظاهر التحديد ان القاطع طول الزمان و كثرة الأيام من دون خصوصيته في الشهر و ما بين الهلالين مع ان الشهر في حد نفسه لا يأبى عن الحمل على الثلاثين بخلاف الثلاثين فإنه يأبى عن الحمل على الشهر و لذا قيل ان حمل الشهر عليه من حمل المجمل على المبين و ليس ببعيد[[1]](#footnote-1)

مرحوم شیخ عبدالکریم به دو بیان ملاک را سی روز دانسته است. بیان اول این است که مناسبت بین حکم و موضوع به حسب ارتکاز عرفی این است که مسافر اگر مدتی در جایی بماند، دیگر مسافر نیست. مسافر کسی است که با شهر نامانوس می باشد؛ اما کسی که مدتی در شهری می ماند گویا از اهالی آن شهر به حساب می آید. البته شارع مقدس حدی را بیان کرده و فرموده پس از سی روز دیگر مسافر نمی باشد. این مناسبت ارتکازی اقتضا می کند که ملاک سی روز باشد نه ماه هلالی؛ زیرا ماه خصوصیتی ندارد و طول زمان مهم است.

بیان دوم این است که خود «شهر» فی نفسه می تواند بر سی روز حمل شود؛ اما نمی توان گفت مراد از «ثلاثین»، «شهر» می باشد. در نتیجه «شهر» مجمل است و بر مبین حمل می شود.

قيل ان حمل الشهر عليه من حمل المجمل على المبين این عبارت نخستین بار در تذکره علامه حلی آمده است.

# کلام علامه حلی در تذکرة الفقها

علامه حلی در تذکرة الفقها می فرماید:

في بعض الروايات: يقصّر- يعني المتردّد- ما بينه و بين مضيّ شهر.

و في بعضها: ثلاثون يوما: قال الباقر عليه السلام: «فإن لم يدر ما يقيم يوما أو أكثر فليعد ثلاثين يوما ثم ليتمّ».

فلو كان الشهر هلاليا تسعة و عشرين يوما، و أقام من أوّله إلى آخره، أتمّ على الأول دون الثاني.

و الوجه: التقصير، أمّا أوّلا: فللاستصحاب. و أمّا ثانيا: فلأنّ الشهر كالمجمل، و الثلاثين كالمبيّن.[[2]](#footnote-2)

مشابه این عبارت در نهایة الاحکام هم آمده است.

# کلام علامه حلی در نهایة الاحکام

علامه حلی در نهایة الاحکام می فرماید:

الأولى اعتبار الثلاثين، للتقدير به في بعض الروايات، قال الباقر عليه السلام: فإن لم يدر ما يقيم يوما أو أكثر فليعد ثلاثين يوما ثم ليتم.

فلو كان الشهر هلاليا و أقام من أوله إلى آخره و نقص يوما، قصر على هذه الرواية و للاستصحاب، و لأن الشهر كالمجمل و الثلاثين كالمبين، و على رواية الشهر يتم.[[3]](#footnote-3)

دلیل اینکه فرموده است: كالمجمل و نفرموده است: مجمل، این است که گرچه «شهر» ظهورش در ماه هلالی است و «ثلاثین» ظهورش در سی روز است اما ظهور «شهر» در هلالی بودن خیلی قوی نیست و می تواند بر ماه عددی هم حمل شود اما «ثلاثین» قابل حمل بر ماه هلالی نمی باشد. بنابراین «شهر» کالمجمل است و قابلیت هر دو معنا را دارد. گویا علامه حمل ظاهر بر اظهر می کند.

# کلام مرحوم وحید بهبهانی در مصابیح الظلام

مرحوم وحید بهبهانی در مصابیح الظلام در استدلال بر ملاک بودن «ثلاثین» می فرماید:

أمّا أوّلا، فبأنّ لفظ «الشهر» كالمجمل، إذ لا يتبادر منه كونه ثلاثين بخصوصه، أو تسعة و عشرين كذلك، بل يحتمل الأمرين، و ورد الحسنة- التي هي حجّة عند الكلّ- حيث استندوا في خصوص الثلاثين إليها، و لفظ «الثلاثين» في الحسنة كالمبيّن، فيجب حمل المجمل على المبيّن، لما تقرّر في الأصول من وجوب حمل المجمل على المبيّن بعد التقاوم، و قد حصل هنا، فتأمّل![[4]](#footnote-4)

مرحوم وحید بهبهانی اجمال «شهر» را این طور بیان می کند که «شهر» هم بر بیست و نه روز و هم بر سی روز اطلاق می شود.

## اشکال به مرحوم وحید بهبهانی

اجمال «شهر» به این صورت است که گرچه «شهر» به معنای ماه هلالی است اما اراده‌ی معنای ماه عددی ( سی روز) هم امکان دارد. به عبارت دیگر «شهر» به معنای سی روز مجاز شایعی است که لفظ شهر امکان پذیرش این معنا را دارد؛ اما «ثلاثین» امکان پذیرش معنای «شهر» را ندارد.

می توان دو وجهی را که در کلام مرحوم شیخ عبدالکریم حائری آمده بود که اولا با توجه به تناسبات حکم و موضوع ملاک مدت زمان است و «شهر» خصوصیتی ندارد و ثانیا «شهر» مجمل است و «ثلاثین» مبین می باشد، تلفیق کرد.

با وجود این که بر اساس تناسبات حکم و موضوع، مدت زمان ملاک است؛ اما تعبد هم در این مورد وجود دارد؛ زیرا عرفا بین بیست و هشت روز و سی روز تفاوتی نیست. شارع حدی را تعیین می کند که قبل از آن احکام مسافر جاری شود و پس از آن احکام مسافر جاری نشود؛ یعنی به نوعی تصرف حکمی است و شارع محدوده‌ی حکم را بیان کرده است. ممکن است شارع ملاک را ماه هلالی قرار دهد؛ زیرا هلال برای چنین محاسباتی وضع شده است. در سوره‌ی بقره می فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَ الْحَجِّ﴾[[5]](#footnote-5)

شارع مقدس هلال را ملاک محاسبات قرار داده است و ممکن است در مسافر مردد هم ملاک را «شهر» یعنی ماه هلالی قرار داده باشد، چه مسافرت اول ماه باشد و چه وسط ماه باشد. از طرفی ممکن است شارع سی روز را ملاک قرار داده باشد؛ بنابراین اگر روایت «ثلاثین» نبود، روایات «شهر» مجمل بودند و شهر عددی و هلالی از آن متبادر نمی شد. اما با وجود روایت «ثلاثین»، این روایت قرینه می شود که «شهر» را در آن روایات «شهر» عددی بگیریم.

تناسبات حکم و موضوع منشا اجمال دلیل می شود و حمل مجمل بر مبین باعث می شود «شهر» در ماه عددی تعین یابد.

# کلام مرحوم سبزواری در ذخیرة المعاد

مرحوم سبزواری در ذخیرة المعاد می فرماید:

و اعتبر المصنف في التذكرة الثلاثين و لم يعتبر الشهر الهلالي قال لأن لفظ الشهر كالمجمل و لفظ الثلاثين كالمبين و في كونهما كالمجمل و المبين تأمّل بل الظاهر كون الشهر حقيقة في المعنى المشترك بين المعنيين و حينئذ فالمتجه أن يقال يحمل على الثلاثين كما يحمل المطلق على المقيد و العام على الخاص‌[[6]](#footnote-6)

مرحوم سبزواری «شهر» را مشترک معنوی بین «شهر» هلالی و «شهر» عددی بیان کرده است و حمل مطلق بر مقید را وجیه دانسته است و به کلام علامه که حمل مجمل بر مبین کرده است، اشکال نموده است.

## اشکال

خیلی بعید است که «شهر» به معنای سی روز و «شهر» به معنای ماه هلالی که گاهی بیست و نه روز است و گاهی سی روز است مشترک معنوی باشند. نهایتا مشترک لفظی می باشد؛ یعنی «شهر» در دو معنای ماه هلالی و ماه عددی حقیقیت است. با فرض مشترک لفظی، «شهر» مجمل می شود و کلام علامه صحیح خواهد بود.

# کلام مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی در صلاة المسافر

مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی در صلاة المسافر می فرماید:

ظاهر جملة من الروايات، اعتبار مضيّ شهر مترددا، و ظاهر بعضها اعتبار مضيّ ثلاثين يوما. و من الواضح أنّ الشهر هو ما بين الهلالين، و لا جامع بينه و بين ثلاثين يوما بالنسبة الى ما بين الهلالين. و أمّا بالنسبة إلى العدد فلا جامع بين مراتب العدد، فلا جامع بين ثلاثين و تسعة و عشرين. فلا مناص من كون الشهر حقيقة في خصوص ما بين الهلالين مجازا في خصوص الثلاثين، أو مشتركا لفظيا بينهما. و من الواضح انّ رواية الثلاثين صالحة لأن تكون قرينة على التّجوّز، أو على التعيين خصوصا بملاحظة قوله (عليه السلام): «فليعدّ ثلاثين يوما» فإنّه لا عدّ إلّا في العدد، و لا عدّ فيما بين الهلالين بما هو بين الطلوعين، فلا يمكن دعوى إرادة الشهر منه بلحاظ أنّ الغالب كونه ثلاثين مع أنّه لا غلبة، و على فرضه فلا غلبة في مرحلة الاستعمال. مضافا الى دعوى الاتفاق على أنّ الشهر في مقام التلفيق و الكسر يعتبر ثلاثين يوما، و إنّ محل الخلاف ما إذا كان مبدء تردده أوّل الشهر و لا يمكن تنزيل إطلاقات الشهر على هذا الفرد النادر، كما لا يمكن التحفّظ على إرادة ما بين الهلالين مطلقا فتدبّر.[[7]](#footnote-7)

مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی می فرماید: بین «شهر» به معنای «ما بین الهلالین» و «شهر» به معنای سی روز جامعی وجود ندارد. در نتیجه «شهر» باید حقیقت در «ما بین الهلالین» و مجاز در سی روز باشد یا مشترک لفظی باشد.

با توجه به این که روایات «شهر» متعددند و روایت «ثلاثین» فقط یک روایت است، نمی توان گفت به قرینه‌ی یک روایت در همه‌ی روایاتِ «شهر» تجوز اراده شده است.

حتی اگر «شهر» را مشترک لفظی ندانیم و حقیقت در ماه هلالی بدانیم، با توجه به تناسبات حکم و موضوع، دلیل ظهوری در معنای حقیقی ندارد و اجمال دارد.

ممکن است علامه هم ناظر به این مطلب باشد که فرموده است: «کالمجمل»؛ زیرا گرچه موضوع له اولیه‌ی «شهر»، ماه هلالی است؛ اما وقتی احتمال اراده‌ی مجازِ مشهوری زیاد است به طوری که مساوی با حقیقت می شود، این مجمل عرضی مانند مجمل ذاتی می شود.

در انتهای عبارت مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی چنین آمده است: مضافا الى دعوى الاتفاق ...

یعنی ادعای اتفاق شده است که در صورتی که ماه تلفیقی محاسبه شود، ماه سی روزه در نظر گرفته می شود و اختلاف در جایی است که تردد مسافر در اول ماه باشد و در انتها «فتدبر» آورده است که شاید اشاره به عدم چنین اتفاقی باشد.

این مطلب که اختلاف در تردد اول ماه می باشد، در کلام فقهای دیگر هم آمده است:

# کلام محمد بن على موسوى‌ عاملی در مدارک الاحکام

محمد بن على موسوى‌ عاملی در مدارک الاحکام می فرماید:

قوله: (و إن تردد عزمه قصّر ما بينه و بين شهر، ثم أتم و لو صلاة واحدة).

هذا الحكم مجمع عليه بين الأصحاب. و تدل عليه روايات كثيرة، منها: قوله عليه السلام في صحيحة معاوية بن وهب: «و إن أردت دون العشرة فقصّر ما بينك و بين شهر، فإذا تم الشهر فأتم الصلاة».

و في حسنة أبي أيوب: «فإن لم يدر ما يقيم يوما أو أكثر فليعد ثلاثين يوما ثم ليتم».

و إطلاق الرواية الأولى و كلام أكثر الأصحاب يقتضي الاكتفاء بالشهر الهلالي إذا حصل التردد في أوله و إن كان ناقصا. و اعتبر العلامة في التذكرة الثلاثين و لم يعتبر الشهر الهلالي، قال: لأن لفظ الشهر كالمجمل و لفظ الثلاثين كالمبين. و لا بأس به.[[8]](#footnote-8)

در استقصاء الاعتبار في شرح الاستبصار‌ ( ج 4، ص 138) هم شبیه این عبارت آمده است.

# کلام مرحوم سبزواری در ذخیرة المعاد

مرحوم سبزواری در ذخیرة المعاد می فرماید:

و هل يجوز الاكتفاء بالشهر الهلالي إذا حصل التردد في أوله يحتمل ذلك لصدق الشهر عليه و هو مقتضى إطلاق كلام أكثر الأصحاب و حينئذ فالثلاثين المذكورة في حسنة أبي أيوب محمول على الغالب من عدم كون مبدا التردد مبدأ الشهر[[9]](#footnote-9)

به نظر می رسد این مطلب مسلم نباشد، البته ممکن است فقیهی چنین مبنایی داشته باشد که اگر وسط ماه باشد، باید ثلاثین لحاظ کنیم. مثلا مرحوم مجلسی اول در عده‌ی طلاق در روضة المتقین می فرماید:

فإن كان الطلاق في أول الهلال فيراعي الأهلة و إن كان في وسطه فيراعي الثلاثين على الظاهر.[[10]](#footnote-10)

اما این مطلب مسلم نیست و شیخ طوسی در خلاف که اختلاف اقوال عامه را نقل کرده، «ثلاثین» را از باب احتیاط بیان کرده است و قول ابوحنیفه را که به مقدار کمبود ماه اول از ماه چهارم لحاظ کرده است، قوی دانسته است و در مواضع دیگر هم به این مطلب اشاره کرده است:

# کلام شیخ طوسی در مبسوط

و إن قال: إلى خمسة أشهر جاز أيضا و حمل على الأشهر الهلالية لأن الله تعالى علق بها مواقيت الناس.

و إذا ثبت ذلك نظر فإن لم يكن مضى من الهلال شي‌ء عد خمسة أشهر، و إن كان قد مضى من الهلال شي‌ء حسب ما بقي ثم عد ما بعده بالأهلة سواء كانت ناقصة أو تامة ثم أتم الشهر الأخير بالعدد ثلاثين يوما لأنه فات الهلال و إن قلنا: إنه يعد مثل ما فات من الشهر الأول الهلالي كان قويا[[11]](#footnote-11)

در جای دیگر می فرماید:

و إن أطلقا ذلك رجع إلى السنة الهلالية لأن الشرع ورد بها.

إذا ثبت هذا فان وافق ذلك أول الهلال كانت السنة كلها بالأهلة و إن لم يوافق ذلك أول الهلال عدد الباقي من ذلك الشهر، و كان ما عداه بالأهلة ثم يكمل ذلك الشهر الأول من الشهر الأخير ثلاثين يوما، و إن قلنا: إنه يكمل بقدر ما مضى من ذلك الشهر كان قويا.[[12]](#footnote-12)

عبارات مبسوط غالبا از شافعیه گرفته شده است. شیخ ابتدا مطالب آن ها را بیان می کند و در انتها نظر خودش را بیان می کند.

در جای دیگر می فرماید:

أما إذا ابتدأ بصوم الشهرين من أول يوم الفطر أو صام شوال و ذا القعدة فيوم الفطر لا يصح صومه، و يصح صوم ما بعده، فأما ذو القعدة فإنه يصح و يجزى عن شهر تاما كان أو ناقصا، فان الشهرين اسم لما بين الهلالين.

و أما شوال فإنه انقطع يوم من أوله فلا يمكن اعتباره بالهلال فتعتبر بالعدد فيحتاج، أن يتمه ثلاثين يوما: فان كان شوال تاما فقد حصل له تسعة و عشرون يوما فيصوم يوما واحدا من ذي الحجة، و إن كان ناقصا صام يومين، و إن قلنا يقضى يوما لأنه ما أفطر من الشهر الهلالي إلا يوما كان قويا.[[13]](#footnote-13)

شیخ طوسی در این عبارات مقدار ناقصی از ماه اول را با ماه آخر کامل می کند.

1. كتاب الصلاة، عبدالکریم حائري، ص 642‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. [تذكرة الفقهاء، العلامة الحلي، جلد 4، صفحه 389](http://lib.eshia.ir/10075/4/389/%D9%83%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%A8%D9%8A%D9%86) [↑](#footnote-ref-2)
3. [نهایة الاحکام، العلامة الحلی، ج 2، ص 176](http://lib.eshia.ir/10173/2/176/%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%A3%D9%88%D9%84%D9%89) [↑](#footnote-ref-3)
4. [مصابيح الظلام فی شرح مفاتیح الشرایع، الوحيد البهبهاني، محمّد باقر، ج 2 ص 146](http://lib.eshia.ir/10438/2/146/%D9%83%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%AC%D9%85%D9%84) [↑](#footnote-ref-4)
5. سوره بقره، آيه 189. [↑](#footnote-ref-5)
6. [ذخیرة المعاد في شرح الإرشاد، المحقق السبزواري، ج 2، ص 412](http://lib.eshia.ir/10095/2/412/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B7%D9%84%D9%82) [↑](#footnote-ref-6)
7. [صلاة المسافر، محمد حسین الأصفهانی، ج1، ص152.](http://lib.eshia.ir/10106/1/152/%D9%85%D8%AA%D8%B1%D8%AF%D8%AF%D8%A7) [↑](#footnote-ref-7)
8. [مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، ج‌4، ص 463‌](http://lib.eshia.ir/10149/4/463/%D9%85%D8%AC%D9%85%D8%B9) [↑](#footnote-ref-8)
9. [ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، ج‌2، ص 412‌](http://lib.eshia.ir/10095/2/412/%D8%A7%D9%84%D8%A7%DA%A9%D8%AA%D9%81%D8%A7%D8%A1) [↑](#footnote-ref-9)
10. [روضة المتقین، محمد تقی المجلسی، ج9، ص58.](http://lib.eshia.ir/71453/9/58/%D8%A7%D9%84%D9%87%D9%84%D8%A7%D9%84) [↑](#footnote-ref-10)
11. [المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج2، ص171.](http://lib.eshia.ir/10036/2/171/%D8%A7%DB%8C%D8%B6%D8%A7) [↑](#footnote-ref-11)
12. [المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج3، ص255.](http://lib.eshia.ir/10036/3/255/%D8%A7%D8%B7%D9%84%D9%82%D8%A7) [↑](#footnote-ref-12)
13. [المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج5، ص173.](http://lib.eshia.ir/10036/5/173/%D8%A7%D9%86%D9%82%D8%B7%D8%B9) [↑](#footnote-ref-13)